



● زهرا باقری

دور دنیا در کمتر از هشتاد روز

دیروز بود که خوندن کتاب «دور دنیا در هشتاد روز» رو از این نویسنده دوست‌داشتنی تمام کردم. خلاصه داستان این بود که دو نفر با هم صحبت می‌کنند و یکی از آن‌ها ادعا می‌کنه: هیچ‌کس نمی‌تونه در هشتاد روز دور دنیا رو سفر کند و دوباره به نقطه شروع برسه (البته یادتون باشه که این داستان حدود ۱۵۰ سال پیش اتفاق افتاده). آن یکی شخصیت داستان، آقای فاگ که قهرمان قصه هست، مخالفت می‌کنه و می‌گه: من به این سفر می‌رم تا به همه شما ثابت کنم که «می‌شه!» بعد هم به همراه خدمتکار وفادارش، پاسپارتو راهی این سفر می‌شوند تا بتوانند در کمتر از هشتاد روز، کره زمین را دور بزنند و به کشور خودشان انگلیس برگردند.

از روزی که یادم می‌یاد، عاشق کتاب‌ها و فیلم‌های علمی - تخیلی بودم. حالا در مورد هر موضوعی که بود، دوست داشتم. ولی اگر مثل جنگ ستارگان، فضایی بود که زندگی برام شیرین می‌شد. بین تمام نویسنده‌ها، نویسنده محبوبم ژول ورن فرانسوی بوده و هست. همیشه به این فکر می‌کنم که اگر دانشمندان پروژه‌های علمی خودشون رو رها می‌کردند و فقط روی پروژه‌های توی کتاب‌های آقای ژول ورن کار می‌کردند، الان دنیا خیلی پیشرفته‌تر بود. حتماً همه ما داشتیم با سفینه شخصی‌مون به مدرسه می‌رفتیم و هر کدوممون حداقل یک ربات مخصوص داشتیم که همه تکلیف‌ها و مشق‌های مدرسه‌مون رو می‌نوشت.

نصف‌النهار مبدأ



مدار رأس السرطان

خط استوا

مدار رأس الجدی

عرض جغرافیایی = افقی

طول جغرافیایی = عمودی

موقعیت

بعد هم فهمیدیم به نصف‌النهار اصلی، «نصف‌النهار مبدأ» می‌گن که از رصدخانه‌ای در محلی به نام «گرینویچ» در شهر لندن کشور انگلستان می‌گذره؛ یعنی همون جایی که مسافرت آقای فاگ قصه ما شروع شد. بقیه نصف‌النهارها هم نسبت به موقعیت قرارگیری شون نسبت به این اصلیه، نصف‌النهار شرقی یا نصف‌النهار غربی نامیده می‌شن. کره زمین 360° است. شبانه‌روز هم ۲۴ ساعته. پس ما ۲۴ تا نصف‌النهار داریم:

$$\frac{360^\circ}{24} = 15^\circ$$

پس فاصله هر نصف‌النهار از بعدی ۱۵ درجه است و از یک نصف‌النهار تا نصف‌النهار بعدی، اختلاف زمانی برابر یک ساعته. فرض کنید توی لندن ساعت ۱۲:۱۲ نیمه‌شب ۱۵ آبان‌ماه باشه. اون وقت در کشورهایی که غرب این نصف‌النهار قرار دارند، مثل برزیل، درواقع ساعت عقب‌تره و هنوز ۱۴ آبان‌ماهه. اما در کشورهایی که در شرق این نصف‌النهار قرار دارند، مثل ایران، زمان جلوتره. برای ایران اختلاف زمانی با گرینویچ $3:30 +$ است. یعنی اگر لندن ۱۲:۱۲ نیمه‌شب باشه:

$$12:12 + 3:30 \Rightarrow 3:42 \text{ تهران در تهران}$$

در زمان دور دنیا در هشتاد روز هم، آقای فاگ و دوستانش وقتی به نقاط مختلف سفر می‌کردند، درواقع همین اتفاق برایشون می‌افتاد. در نهایت هم به دلیل مسافرت به عرض‌های جغرافیایی متفاوت، یک روز از زمان جلو افتادند.

نکته جالب اینه که در بعضی کشورها که پهناور هستند و غرب و شرق آن‌ها بیشتر از یک نصف‌النهار را در خود جای می‌ده، بیشتر از یک ساعت رسمی وجود داره. مثلاً شما فرض کنید که شهروند یکی از آن کشورها هستید و در کشور خودتون از شهری به شهر دیگه سفر می‌کنید، ولی یکدفعه ساعت به‌طور قراردادی تغییر می‌کنه. جالبه! نه؟

یک عالمه اتفاق جالب و مهیج در این سفر توی کشورهای مختلف می‌افته، ولی تمام جذابیتش به نظرم در آخر داستانه؛ زمانی که گروه مسافرای ما در وقت مقرر به وعده‌گاه می‌رسند و فکر می‌کنند که پنج دقیقه دیر کرده‌اند و بازنده‌اند. اما در نهایت به اشتباه خودشون پی می‌برند و متوجه می‌شوند که در طول سفرشان به دور کره زمین، درواقع یک روز هم از زمان جلو افتاده‌اند و نه تنها نباخته‌اند، که در ۷۹ روز دور دنیا رو سفر کرده‌اند. خلاصه از دیروز که این کتاب رو خوندم، تمام فکر و ذکرم پیش این محاسبه‌هاست که اصلاً چطوری می‌شه آدم از زمان جلو بیفته. اینجا بود که دوباره با تشکر از کتاب‌های درسی، فهمیدم که کره زمین با یک سری خط فرضی تقسیم‌بندی می‌شه که به اون‌ها «نصف‌النهار» می‌گیم. این خط‌های فرضی، قطب شمال رو به قطب جنوب زمین متصل می‌کنند. راستش این خط‌های روی کره زمین منو یاد هندوانه انداختند.

